

# ادبیات موضوعی

جزوه ی لغت + املا

(اولین جزوه از ۴ جزوه ی طلایی)

پیش دانشگاهی ۱



# فهرست...

## فصل اول: تحمیدیه و مناجات

- درس اول (نی نامه)..... ۴
- درس دوم (مناجات-نیایش)..... ۵

## فصل دوم: درآمدی بر ادبیات حماسی

- درس سوم (کاوه دادخواه)..... ۹

## فصل سوم: درآمدی بر ادبیات غنایی

- درس چهارم (دریای کرانه ناپدید-من این همه نیستم)..... ۱۵
- درس پنجم (مناظره خسرو و فرهاد)..... ۱۸
- درس ششم (اکسیر عشق)..... ۲۰
- درس هفتم (بهار عمر)..... ۲۰
- درس هشتم (مجنون و عیب جو)..... ۲۳
- درس نهم (سپیده آشنا)..... ۲۳
- درس دهم (قلب مادر)..... ۲۴
- درس یازدهم (کیش مهر-سرود عشق)..... ۲۸
- درس دوازدهم (رباعی و دوبیتی دیروز و امروز)..... ۲۹

## فصل چهارم: درآمدی بر حسب حال و زندگی نامه

- درس سیزدهم (چند حکایت از اسرار التوحید)..... ۲۹
- درس چهاردهم (بارقه های شعر فارسی)..... ۳۳

پای ثابت کنگورهای افیر!!!

## درس اول: نی نامه

گل سر سبد واژگان این درس: فراق و مستور (از نظر املائی) دستور، شرهه، نفیر، بیگانه و بی روزی (از نظر لغوی!!)

نیستان: نیزار، جایی که در آن نی می روید

جذبه: کشش، شوق

\* نفیر: فریاد وزاری به آواز بلند از لغات غلط انداز!!!

\* شرحه: پاره پوستی که از درازا بریده باشند

نکته ی مهم در حل سوالات لغت این است که معانی واژگان را کامل بلد باشیم برای مثال همین لغت شرهه: پاره پوست (نه گوشت) که از درازا (نه پونا) بریده شده باشد.

\* شرحه شرحه: پاره پاره واژگان دو قسمتی بسیار مهم هستند: فیره فیر: بیهوده - فیر فیر: سریع

\* اشتیاق: میل قلب است به دیدار محبوب این واژه جزو واژگان دسته بندی عرفانی است!!!

+ فراق: دوری، جدایی این لغت اهمیت املائی بسیار زیادی دارد: فراغ: آسودگی

\* بد حالان: کسانی که سیر و سلوک آنها به سمت حق کند و آهسته است. توضیح این واژه در توضیحات آمده است.

\* خوش حالان: رهروان راه حق کهاز حرکت به سوی حق خوشحال و شادمان هستند.

+ اسرار: جمع ستر؛ رازها این لغت اهمیت املائی دارد: اصرار: پافشاری

+ نور: توان؛ قدرت؛ درک و فهم // لیک: اما // ظن: گمان، خیال، وهم // حریف: همدم؛ همیشه

⊕ **مستور:** پوشیده؛ پنهان؛ در پرده (کاربرد در جمله: اسرار را مستور داشتن) (مسطور: سطر شده / استوران: چهارپایان / اسطر: خط / استار: از صفات فراوند)

**دستور:** اجازه؛ راهنما؛ وزیر یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

**پرده:** آهنگ و نغمه های مرتب؛ حجاب (میتواند در سوالات ارایه هم بکار برود ایهام) یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

\* **تریاق:** پادزهر؛ ضد زهر // **دمساز:** همدم، همراز، همنشین // **حدیث:** سخن؛ خبر؛ سخن پیامبر // ⊕ **محرم:** رازدار؛ خودی، خویشاوند

\* **بی گاه:** دیر یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!! از لغات غلط انداز!!!

\* **بی روزی:** بی نوا؛ درویش یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

**املا:** شرهه شرهه / فراق و دوری (فراغ و آسایش) / مستور و پنهان / تریاق و پادزهر / ناظر و بیننده / ظن و گمان / اجزبه حق / درد و داغ / سیروسلوک (راه و روش)

## درس دوم: ۱) مناجات نامه ۲) صحیفه سجادیه

در این درس واژگان بسیاری به شکل جمع دیده می شود!! لطفاً به آنها توجه کنید!! و بی شک مهمترین کلمه های املائی ذلت و گذاردن و گذاردن است!!!

**مَلِك:** فرشته      **مَلِك:** پادشاه

**فضل:** بخشش، احسان، برتری، کمال، افزونی

**پویدن:** دویدن، به شتاب رفتن، جست و جو تلاش      // **سزایی:** سزاوار هستی      // **وهم:** تصور و پندار

⊕ **ثنا:** حمد؛ ستایش، نیایش **سنا:** نور و روشایی      //      **نماینده:** نشان دهنده، نماد، سمبل

⊕ **شبه:** مانند، شبیه      **شبح:** کالبد، سیاهی ای که از دور دیده می شود (اشباح جمع شبح است)

عز: عزیز شدن، ارجمندی      جلال: شکوه و بزرگی (جمال: زیبایی)

➕ سرور: شادمانی، خوشحالی      شعف (مسرور: شادمان، مشعوف)

جود: بخشش، جوانمردی      //      جزا: مزد و پاداش

➕ ذلت: ذلالت، خواری، پستی، خفت، سبکی (ضلالت؛ ضلال (مفرد است)؛ گمراهی، گمراه شدن) یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات املا!!

(مفزول، ذلیل؛ فوار، پست، بی ارزش) (زلت: فطا و لغزش)

آزمند: حریص، طمع کار      //      آز: حرص، طمع، زیاده خواهی

مگذار: اجازه مده:رها مکن یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت و املا!!!!

\* صولت: هیبت، حمله، قدرت، غلبه یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

حصار: بارو، دیوار (حصار از هصر می آید)

➕ مناعت: بلندنظری، عالی همت بودن، بلند نظر بودن      //      فطرت: سرشت، ذات و طبیعت

➕ خصلت: خلق و خوی، طینت، صفت ذاتی (جمع آن فصایل است)

➕ دنائت: پستی یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

صحیفه: نامه، کتاب (هم ریشه ی صافی)

لجاج: ستیزه، سرسختی، پافشاری، عناد

عفاف: پاکدامنی، پارسایی، پرهیزگاری      //      عصمت: بی گناهی

\* **حمیت:** غیرت، مروت، تعصب، عصبیت، طرفداری یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

ناهنجار: زشت، ناپسند، نامناسب (هنجار: مناسب، استاندارد، پسندیده)

حرمت: احترام، آبرو، ارجمندی (هم ریشه ی مریم)

تعدی: تجاوز، ستم، از حد درگذشتن، دست درازی و دست اندازی

اقدس: پاکتر (نه پاک؛ صفت تفضیلی است)

⊕ **ظلمات:** ج ظلمت، تاریکی ها یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

لغات این صنفه هگی " یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!! " هستند

\* **بیغوله:** بیراهه، ویرانه، کنج، گوشه (قیلوله: فواب کوتاه)

**بطلان:** باطل شدن، بیهودگی، ضایع شدن / آلایدن: آلوده ساختن

\* **معاصی:** ج معصیت؛ گناهان (به جمع و مفرد توجه کن!!!) (معصیت: نافرمانی، گناه)

**ملاهی:** آلات لهو و لعب (ملهی: آلت لهو و لعب)

\* **مناهی:** ج منهی؛ کارهایی که در عرف و شرع نهی شده است (منهی: کاری که در عرف و شرع نهی شده است)

💡 **نکته:** در صورت سوال معنای یک لغت جمع را از ما می فوهند اما در گزینه ها معنی فرد را می دهند!! این یکی از رایج ترین روش های

طرح سوالات لغت است (ملاهی و مناهی قبلی موهم هستند)

\* **طاعت:** عبادت و بندگی، اطاعت

**بالیدن:** فخر کردن، نازیدن، رشد کردن

**استکبار:** تکبر کردن؛ خود را بزرگ پنداشتن، گردن کشی

⊕ فضایل: جفضیلت؛ برتری ها، افزونی ها، ارزش ها، بزرگی ها

\* مکارم: ج مکرمت؛ بزرگی ها، جوانمردی ها (به جمع و مفرد توبه کن!!!)

\* مضایقت: دریغ، دریغ کردن، خودداری، کوتاهی، سخت گیری

ستوده: مناسب، پسندیده (ناستوره: ناپسند، نامناسب، زشت، ناهنجار)

⊕ ورا: پشت سر، قفا، پس گردن، عقب

سیرت: باطن، سرشت، نهاد

ارحم الراحمین: مهربان ترین مهربانان

حُسن: زیبایی، نکویی (مقابل قصور)

ازل: زمان بی آغاز (مقابل ابد)

زار: درمانده، شوریده، ناتوان، رنجور

\* کتم: پنهان و پوشیده داشتن

⊕ عدم: نیستی، فنا // مضامین: ج مضمون: محتواها، درون مایه ها

املا: هولت و قدرت / مناعت فطرت / منزلت و فواری اپستی و دنائت اعغاغ و عصمت / پای بگذار / اضلال و گمراهی / بیغوله (نه بیقوله) و پیراهه / طاعت

و بندگی / ازل و ابد / ظلمات جهل / او بگذارم و رها بکنم / اثنا و ستایش / شبه و مانند / عز و جلال / اسرور و شادی / مظاهر مصفا (پاک) / اعمله ی مسر / صیغه ی

سباییه / هولت فشم / اعمار / بردباری / اهمیت های جاهلانه / اعصیبت های ناهنجار / تعدی و تجاوز / ذات اقدس / سر به دنبال هوس بگذارم / مضایقت

و خودداری / ورا ی صورت



## درس سوم: گاوِه ی دادخواه

مهمترین لغت این درس بی شک پایمردی است

مدوَن: جمع آوری شده، فراهم آورده شده

منشور: پراکنده، مقابل نظم منصور: پیروز (هم ریشه ی نصر، انتصار)

⊕ حماسه: دلاوری، شجاعت

مظاهر: ج مظهر: محل های ظهور

\* خرق: شکافتن، چاکدادن، پاره کردن (یکی از ویژگی های حماسه فرق عادت است)

\* اساطیر: ج اسطوره؛ افسانه ها و داستان های خدایان و پهلوانان قدیم

چرمین: از جنس چرم: چرمی، منسوب به چرم (منسوب: نسبت داده شده / منسوب: گماشته شده، تکرار داده شده)

درفش: پرچم، بیرق، علم، رایت (عَلَم: پرچم / اَلَم: درد / آلام: دردها)

داد: عدالت، انصاف (دادخواه: عدالت فوا، عدالت جو)

⊕ اهریمن: شیطان از نظر املائی کاربرد دارد!!

کهتر: کوچکتر مهتر: بزرگتر

\* منش: طبیعت، خو، خصلت / ⊕ خبیث: زشت، پلید

\* آبزن: حوض کوچک، حوضچه ای از آهن یا چینی و مانند آن که برای شست و شو می سازند.

یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

⊕ خصم: دشمن (فصومت: دشمنی)

// عباد: ج عابد، بندگان

بیداد: ظلم و ستم (بیدارپیشه: ستمگر)

// ناگزیر: ناچار از نظر املائی کاربرد دارد!!

⊕ خوار: پست و بی ارزش (فار: تیغ گل) از نظر املائی کاربرد دارد!! // ⊕ گزند: آسیب، دروغ، ظلم و ستم

دیوان: ج دیو، موجودی خیالی و افسانه ای / دیوانگان: افراد فاسق و نالایق

\* لُجّه: میانه ی دریا، عمیقترین جای دریا یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

گران مایه: ارزشمند، ارجمند

همگنان: همگی، همه // جادویی: جادوگری

دست فرسود: کهنه، فرسوده

درفش کاویان: درفش ملی ایران در عهد ساسانی

(توضیح بعضی لغات در خود متن کتاب آمده است مثل فشفاش درس بیستم سال دوم گیاهی با گلهای سفید رنگ)

(در ضمن همیشه به این چهار تا توجه کن: یونانی یا رومی... سامانی یا ساسانی... این ها را با هم قاطی نکن...!! این نکته هم در سوالات تاریخ

ادبیات و هم سوالات لغت کاربرد زیادی دارد)

معاصر: هم عصر، هم دوره (اعصار: دوران ها، روزگاران)

تأمل: اندیشه، تفکر، درنگ

⊕ شقاوت: بی رحمی، سنگدلی / درخور: سازاوار، شایسته

⊕ قرایح: ج قریحه؛ طبع ها، استعدادها، ذوق ها / ⊕ عواطف: احساسات

❖ **قرون - اعصار:** دوران ها، ج عصر و قرن (به لغات جمع و مفرد توجه کن!!!!!!)

**جور پیشگی:** ظلم و ستم (بجور: ظلم و ستم)

**طرد:** راندن، دور کردن (تُرد: شکننده)

\* **استشهادنامه:** گواهی نامه (استشهاد: طلب شهود برای گواهی یا اثبات حق) (یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!)

\* **فرّ:** (فرّه - خرّه) فروغ ایزدی که بر دل هر کس بتابد از همگان برتری می یابد و از پرتو همین فروغ است که شخص به

پادشاهی می رسد، شکوه و عظمت

**خسرو:** پادشاه (فسروانه: پادشاهانه)

\* **ضحاک:** معرب اژی دهاک، بسیار خنده کننده (معرب: عربی شده) (میتواند در سوالات ارایه بکار برود ایهام)

\* **ابلیس:** اهریمن و شیطان

**پوزه:** گرداگرد دهان جانور چهارپا

\* **خوالگیر:** آشپز، طبّاخ، خورشگر **خورش خانه:** آشپزخانه

**چالاک:** زرنگ، چابک

**گرز:** نوعی آجنگی، کوپال

\* **موبدان:** ج موبد؛ حکیمان و دانشمندان و پیشوایان زردشتی (به لغات جمع و مفرد توجه کن!!!!)

**زبونی:** خواری، پستی / **مسلک:** روش و شیوه (سلک: رشته، نخ، روش / سلوک: روش ها)

\* **فرعون مآبانه:** به روش و شیوه ی فرعون (مآب: مهمل بازگشت)

**مسلک:** روش و شیوه (سلک: رشته، نخ، روش / سلوک: روش ها)

فروزش: تابندگی، فروزندگی / صاعقه: برق آسمان، آذرخش

\*رای زدن: مشورت کردن (رای: مشاوره، مشورت)

مهابت: شکوه، شوکت سه‌مگینی

\*یکایک: ناگهان (بجز و اثرگان غلط انداز است!!! در ضمن ستاره دار)

\*دژم: خشمگین، ارغند، شرزه (کی میگه ادبیات ترکیبی نیست)

\*اژدها پیکر: در شکلو هیئت اژدها مانند اژدها هول انگیز و ترسناک (هول: ترس، واهمه)

\*شماریت: حساب پس دادن یکی از کاربردی ترین لغات در حل سوالات لغت!!!!

\*آرمان: امید و آرزو

\*دهش: دادگری، انصاف، بخشش (بجز و اثرگان غلط انداز است!!! در ضمن ستاره دار)

قهر: چیرگی، غلبه کردن، خشم و غضب

واما لغت مورد علاقه طراحان کنکور های آزمایشی از جمله.....!!!اره فودشه!!!

\*پایمردی: خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت (به معنای پوانمردی نیست!!! نگلی، نگفتی!!!)

گیهان: کیهان، جهان

\*خدایو: خدا (فرو: آب دهانت) (قاطی نکن!!!)

اندیشیدن: ترسیدن (بجز و اثرگان غلط انداز است!!!)

\*سپردن: پایمال کردن، زیر پا گذاشتن // گنگ: لال

\*پشت پا: روی پا سینه ی پا (بجز و اثرگان غلط انداز است!!!)

بازارگاه: کوچه ای سرپوشیده که لز دو طرف دارای دکان باشد.

داد: داد و فریاد- عدالت و انصاف (میتواند در سوالات ارایه بکار برود ایهام)

\* در: اپتک و چکش بزرگ آهنگران، زنگ کاروان، جرس (یکی از لغات بسیار مهم چون معانی متفاوت می دهد)

گرد: دلیر و پهلوان // برزن: کوی، محله، کوچه // خود کامگی: استبداد، خودرایی، خودسری

+ خشت: آجر خام- نیزه ی کوچک (میتواند در سوالات ارایه بکار برود ایهام) // تیغ: شمشیر

فروغ: روشنی، روشنای، نو (از نظر املائی مهم است!!)

حیثیت: آبرو، اعتبار / برنا: جوان / کامیاب: کامروا، خوشبخت، سعادت مند، موفق

+ جوهر: معرب گوهر، خلاصه و اصل هر چیزی // + خطیر: بزرگ، شریف، بلند مرتبه

املا: اساطیر و افسانه ها / نظیر و مانند / حوادث قارق العاده / شقاوت و ظلم / سیما و پهره / عواطف و احساسات / فساد و تباهی / استقرار و برقراری / بغض و نفرت / ضرب گرز / فواروبی ارزش / خواست و اراده / تعبیر فواید / شاهنامه ی ابومنصوری / ابوطاهر طرسوسی / فهم و دشمن / دست فرسود / تایید و تصدیق / فوهای اهریمنی / منش فبیث / خود کامگی و جوهر پیشگی / ادود هوش / شهر و برزن / شرافت و فضیلت / فطیر و دل پذیر / مفسر (استشهاد نامه) /

## هفتست های مروری درس اتا ۳

(قلم پی ۱۸ آبان ۹۴)

۱- معنی چندواژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

(پرده: آهنگ و نغمه های مرتب) (دستور: راهنما) (پایمردی: جوانمردی) (خوار: بی ارزش) (ملهی: سرگرمی ها)، (محضر: استشهادنامه) (خدیو: خدا) (ضلال: گمراه گشتن) (آبزن: حوضچه ای از چینی) (پویدن: دویدن)

① یک      ② دو      ③ سه      ④ چهار

👉 سوالات کمانگی و در کل سوالات شمارشی سختترین سوالات هستند!!! (با این نکاتی که گفتم فک نکنم سفت باشه!!!!!!)

۲- معنی چند واژه در کمانک روبه روی آن نادرست نوشته شده است؟

(گزینه دو ۹۲)

تعدی (دست اندازی) / بیغوله (خواب کوتاه) / ضلال (گمراهی) / بطلان (ضایع شدن) / آلابیدن (افتخار کردن) / معصیت (نافرمانی) / مناهی (آلات لهو) / استکبار (گردن کشی) / مکارم (بزرگواری ها) / واگذاردن (رها کردن)

① چهار      ② سه      ③ دو      ④ پنج

💡 همه شو گفتم!!!!!! الان میتونی مثل آب خوردن این تستارو بزنی!!!

۳- در همه یگزینہ ها به استثنای گزینہ ی..... معنی همه ی واژه ها درست است. (قلم پی ۲۲ آبان ۹۴)

① (بیغوله: گوشه ی خانه) (صولت: هیبت) (اعصار: دوره ها)

② (بی روزی: درویش) (بیگاه: دیر) (نفیر: نفرت)

③ (درای: زنگ کاروان) (یکایک: ناگهان) (خره: فروغ ایزدی)

④ (خوالگیر: طبّاخ) (دژم: خشمگین) (آبرن: حوض کوچک)

💡 همون نکته که بهت گفتم "توضیحات واژگان را باید کامل یاد گرفت"

۴- معنی چند واژه درست است؟

(قلم پی ۹۲)

(دستور: راهنما) (نفیر: فریاد و زاری به آواز بلند) (شرحه: پاره پوستی که از درازا بریده باشند) (جذبہ: شوق) (تریاق: زهر) (بیگاه: نیمه شب) (ملهی: آلت لهو) (مستور: درپرده) (مشتاق: کسی که قلبش مایل به چیزی باشد) (حریف: هم پیشه)

① شش      ② هفت      ③ پنج      ④ چهار

💡 شیوه های مرسوم طرح سوال قبل از انقلاب سال ۱۳۹۲ هجری فورشیدی!!!!!!

۵- معنی واژه های «بیغوله-ملاهی-کتم» به ترتیب کدام است؟

(سراسری تهری ۱۷)

① بی فایده-بازیچه-پنهان داشتن

② ویرانه-آلات لهو-پنهان داشتن

③ بیچارگی-آلات لهو-جهان نیستی

④ گوشه ای در خانه-تهی شده-پوشیدگی